ایران اقتصادی
سال بیست‌وپنجم ■ شماره ۷۰۱۸
یکشنبه ■ ۱۹ اسفند ۱۳۹۷

سود سهام انرژی جایگزین مناسب برای یارانه‌ها

یادداشت



محمود خاقانی
کارشناس بین‌المللی انرژی

در راستای بررسی وتلفیق بودجه سال ۹۸ نمایندگان محترم مجلس درباره ضرورت سهمیه‌بندی فرآورده‌های نفتی (بنزین) سخن می گفتند و متعاقباً روز یکشنبه هفتم بهمن ماه ۹۷ گزارش شد که بیش از۴۰ طرح و نظر درباره آینده قیمت یا سهمیه‌بندی فرآورده‌های نفتی به کمیسیون تلفیق بودجه پیشنهاد شد و همگی رد شدند. اگر این پیشنهادات تصویب می شد، هزینه‌های دولت درسال ۹۸ بیشتر از دخل آن می شد. این درحالی است که اخیراً دکتر شمس اردکانی رئیس کمیسیون انرژی، صنایع پالایشی و پتروشیمی اتاق بازرگانی ایران درمقاله‌ای نوشت که: «آسانی در تولید نفت، آسانی در فروش، آسانی در مصرف و آسانی در خرج (یا به قولی در برج پول نفت) درآمدهای نفتی ناشی از صادرات یا آسانی در مصرف داخلی، به سرآمده است.»

■ چه باید کرد؟ معاوضه انرژی با انرژی

در همایش‌هایی که به ابتکار کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران با همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی اتاق بازرگانی ایران و مؤسسه پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی انرژی دانشگاه تهران و دانشگاه کالج لندن برگزار شد، نظریه ای مبنی براینکه آیا می توان به جای فروش نفت شرکت ملی نفت ایران چه در بورس انرژی درداخل کشور یا چه در بازارهای بین‌المللی (طبیعی است دراین بازارها باید درقیمت و کسب سهمیه دربازار با دیگر تولیدکنندگان و صادرکنندگان رقابت کند) با مصرف‌کننده نهایی نفت خام ایران چه درداخل کشور و چه در خارج از کشور مشارکت میان مدت و بلند مدت داشت و عرضه نفت خام ایران به جای فروش را با پالایشگاه‌های بازار مصرف نفت خام ایران براساس قراردادهای معاوضه نفت خام با فرآورده‌های نفتی حاصل از آن را مد نظر قرار داد، بررسی شد.

به‌طور مثال ایران می‌تواند با عرضه نفت خام به پالایشگاه‌های یونان و پالایشگاه گرنج موث در اسکاتلند (نفت خام این پالایشگاه حدود ۶۰ سال تا قبل از تحریم‌های پیش از برجام از ایران تأمین می شد) حق معاوضه نفت خام با فرآورده‌های نفتی را داشته باشد. درهمین حال می‌تواند به‌جای اینکه فرآورده‌های نفتی را به‌طور فیزیکی دریافت کند، با اتکا به حق مالکیتی که برآنها دارد می‌تواند به ازای فرآورده‌های نفتی اعتباری معادل ارزش فرآورده‌های نفتی را دریافت کند. سپس ایران می‌تواند معادل ارزش اعتباری که دریافت کرده است کالا و خدمات مورد نیاز ایران را از بازارهای مورد نظر خریداری کند، بدون اینکه نیازی به بانک و ارزفیزیکی دلاری داشته باشد. با همین روش ایران به جای صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله یا سایر روش‌ها می‌تواند گاز طبیعی را به برق تبدیل و برق را صادر کند یا گاز طبیعی را با برق معاوضه کند و برق را دربازاری که نیاز به آن است (عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان و...اروپا) بفروشد و از محل درآمد آن کالا و خدمات موردنیاز ایران را خریداری کند. دراین روش هم به خدمات بانکی وفیزیکی دلاری نیازی نیست. درهمین راستا با توجه به اینکه در حوزه دریای خزر حجم ذخایر گازی از نفتی بیشتر است موضوع شبکه انرژی خزر سال‌هاست که به ابتکار مؤسسه آموزشی و پژوهشی اتاق بازرگانی ایران (بخش خصوصی) و مؤسسه پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی انرژی - دانشگاه تهران (بخصوص آکادمیک و عمومی) مطرح شده است را درراستای موضوع کریدور انرژی شمال به جنوب برای صادرات برق شمال (از روسیه و آذربایجان) و حوزه دریای خزر و از مسیر ایران به بازارهای مصرفی بالقوه مد نظر قرارداد.

■ ضمانت اعتباری انرژی

بنزین «یورو پنج» را از نظر کیفیت درداخل و بیرون کشور قبول داریم و وزارت نفت هم در این راستا استانداردهای لازم را در کشور تعریف کرده است. صنعت نفت و انرژی کشور می‌تواند نوعی اعتبار تحت عنوان «ضمانت اعتباری انرژی» به زبان انگلیسی ECO- Energy Credit Obligation با حمایت و همکاری مجلس دراقتصاد کشور وارد عمل کند و نوعی اعطای اعتبار (یا قول دادن) توسط بخش‌هایی در کشور که تولیدکننده و عرضه‌کننده فرآورده‌های نفتی و انرژی (مثلاً بنزین) هستند را تعریف کند. به این معنی که می‌تواند اعتباراتی شبیه به پول ملی (مثلا به اسم سکه انرژی) صادر و به مردم پیش فروش (واگذار) کند که موقع خرید بنزین و به‌طور کلی فرآورده‌های نفتی و نیز انرژی (برق) به جای ریال از اعتباری که قبلاً (به ریال) خریداری کرده‌اند را به پمپ بنزین (شرکت ملی نفت ایران و برای برق به شرکت توانیر) تحویل دهند (دراین راستا می‌توان ازکارت‌های بنزین و بانکی هم استفاده کرد و آنها را با میزان پیش خرید مصرف‌کننده بنزین به اصطلاح شارژ کرد). بدیهی است که انواع دیگر بنزین‌ها (بنزین‌های معمولی و غیر یورو پنج) یا سوخت‌های دیگر نظیر گازوئیل، نفت کوره و غیره را هم می‌توان در مقام مقایسه با بنزین یورو پنج از نظر ارزش حرارتی و انرژی قیمت‌گذاری کرد و برای آنها هم سکه انرژی توسط تولیدکننده و عرضه‌کنندگان آنها صادر و پیش فروش شوند. حتی به‌جای ریال می‌توان اعتبار انرژی مورد نظر که برای سهولت نام سکه انرژی را برآن می‌گذاریم با هر ارزی نظیر یورو عرضه ومعاوضه کرد. زیرا، انرژی- فرآورده‌های نفتی (بنزین و غیره که قاچاق می‌شوند) به‌طور کلی یعنی ارز خارجی. بنابراین، اروپا و سایر کشورها می‌توانند ضمانت اعتبار انرژی ایران (سکه انرژی) را پیش خرید کنند و برای خرید نفت خام و سایر محصولات صادراتی غیرنفتی از ایران به طرف‌های بازرگانی و صنعتی ایرانی‌شان برگردانند. البته مطالعه لازم برای این طرح در برگیرنده موضوعاتی نظیر مالیات برارزش افزوده (VAT) و نظایر آن هم خواهد بود.

■ خزانه‌داری انرژی؟

تأسیس و تشکیل یک اتاق پایاپای انرژی (خزانه‌داری انرژی) ضروری است تا با نظارت کامل جلوی بروز هرگونه سوءاستفاده از طرح جدید «ضمانت اعتباری انرژی» ECO- Energy Credit Obligation گرفته شود. البته باید رأس امور یعنی مجلس دهم به این منظور قانون و مقررات تازه‌ای را تدوین و تصویب کند تا براساس آن بشود تمامی مردمی که صاحب حق هستند درتولید و عرضه فرآورده‌های نفتی و انرژی مشارکت کنند و سهام‌دار شوند، تا به جای یارانه‌های سوخت (پرداخت یارانه‌های سوخت موجب افزایش نرخ تورم و کسری بودجه دولت است) سود سهام انرژی دریافت کنند. دراین صورت مردم ایران هرگونه همکاری لازم برای کاهش و بهینه مصرف کردن بنزین و فرآورده‌های نفتی (به‌طورکلی انرژی) را برای حفظ محیط زیست و کاهش آلودگی آب و هوا و زمین به عمل خواهند آورد. از سوی دیگر قاچاقچیان ورشکست خواهند شد و ایران می‌تواند بازار معاوضه انرژی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را از طریق معاوضه نفت خام یا گاز طبیعی درواقع معاوضه انرژی با انرژی تعریف کند.

■ نتیجه گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران درتوافق مشهور به برجام بهترین تصمیم را گرفت و اجرا کرد. برجام ایران را در چهارراهی قرار داد که جایگاه ایران در اقتصاد جهان را تعریف کند. همان‌طور که وزیر امورخارجه کشورمان در جلسه علنی روز دوشنبه هشتم بهمن ماه ۹۷ در مجلس شورای اسلامی گفت: «مقاومت این ملت بود که باعث شد امریکا و پنج قدرت دیگر و اتحادیه اروپا با پنج الی شش قطعنامه شورای امنیت بیایند و مقابل پنج الی شش نماینده شما بنشینند و بعد آقای ترامپ بگوید که سر ما را کلاه گذشتند...» برای به شکست کشاندن طرح تحریم‌های اقتصادی مثلث ترامپ، اسرائیل، آل سعود و کاسبان تحریم مردم ایران می‌توانند و باید رهبری یک انقلاب انرژی درداخل و منطقه را به‌دست بگیرند.



سهیلا یادگاری
خبرنگار

نظام کنونی پرداخت یارانه در بخش‌های مختلف بویژه در بخش انرژی چالش‌هایی مانند کاهش اثربخشی در اثر پرداخت همگانی، بهره‌وری پایین انرژی، افزایش مصرف و فشار بر بودجه دولت و... به وجود آورده است. تداوم این سیاست به شکل کنونی، مانع اجرای سیاست‌های عدالت اجتماعی، کاهش فقر و توزیع عادلانه ثروت شده است. در ایران پرداخت یارانه برای کاهش هزینه‌های تحمیلی بر مردم بویژه دهک‌های پایین از دهه‌های گذشته صورت گرفته است. اما نوعی دیگر از یارانه به‌صورت یارانه نقدی همگانی از سال ۱۳۸۹ به شهروندان پرداخت شد که اقتصاددانان معتقدند آثار منفی این نوع پرداخت یارانه بر اقتصاد را نمی‌توان نادیده گرفت و برای اصلاح آن باید هر چه زودتر اقدامات مقتضی انجام گیرد. آنان تأکید دارند ریشه ناکامی در عدالت اقتصادی را می‌توان در نوع سیاست حمایتی یافت. در دهه‌های گذشته، شالوده سیاست‌های حمایتی دولت، حمایت از مصرف کنندگان از طریق عرضه کالا با قیمت‌های یارانه‌ای و تعیین دستوری قیمت بوده است. با توجه به شرایط اقتصادی تغییر شیوه پرداخت یارانه مستقیم و غیرمستقیم برای افزایش اثربخشی آن خواسته بسیاری از اقتصاددانان است. مرتضی عزتی استاد دانشگاه تربیت مدرس اما معتقد است یارانه ای که به اقلام مختلف تعلق گرفته و پرداخت می‌شود توانسته اهداف اولیه ای که برای این پرداخت‌ها در نظر گرفته را تأمین کند و پرداخت یارانه در فقرزدایی به‌طور نسبی برنامه ای موفق بوده است. او به شیوه پرداخت یارانه نقدی به همگان انتقاد دارد و می گوید این شیوه پرداخت یارانه در بیشتر کشورها تغییر کرده است و در این کشورها پرداخت یارانه نقدی به‌صورت حمایت‌های اجتماعی در هزینه‌های آموزشی، بهداشتی و... پرداخت می‌شود که اثر آن در اقتصاد کشورها بسیار بیشتر از یارانه نقدی همگانی است.

مرتضی عزتی، عضو پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با «ایران»:

علم اقتصاد یارانه نقدی همگانی را برنمی‌تابد

■ یارانه به اقلام و به بخش‌های مختلف با هدف حمایت‌های اجتماعی از اقشار مردم بخصوص دهک‌های کم درآمد پرداخت می‌شود پرداخت این یارانه‌ها که بیشتر به‌صورت یارانه پنهان است توانسته اهداف عدالت اجتماعی و توزیع ثروت را تأمین کند؟

در ایران سیاست‌های توزیع درآمد که هدفش کاهش فقر بوده، بویژه بعد از انقلاب، به‌صورت جدی مؤثر واقع شده است و با اجرای این سیاست فقر به طور نسبی کاهش پیداه کرده است. هر چند سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی موفق نبوده اما سیاست‌های توزیعی بویژه سیاست‌هایی که در جهت کاهش فقر بوده مؤثر بوده و می‌توانیم بگوییم به‌صورت نسبی، وضعیت دهک‌های پایین نسبت به گذشته بهتر است.

■ یارانه پنهان و یارانه‌های آشکار یا یارانه نقدی تأثیری یکسان در کاهش فقر در جامعه دارند؟

در حوزه اقتصاد یارانه‌ها انواع مختلف دارند. در کشور ما هم یارانه به روش‌های مختلفی در جامعه تزریق می‌شود. فرض کنید دولت به کمیته امداد کمک می‌کند، کمیته امداد کمک دولت را به افراد بی‌بضاعت پرداخت می‌کند، دولت به بنیاد مسکن کمک می‌کند بنیاد مسکن برای بی‌بضاعت‌ها مسکن می‌سازد، دولت به کارگران در سطح‌های مختلف یارانه پرداخت می‌کند. دولت بخشی از سهم کارفرما را در بیمه تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند این نوع یارانه به کارگر و کارفرماهای ضعیف‌تر و ناتوان‌تر مانند تزریق منابع مالی است. دولت به همین شیوه در بخش‌های مختلف به‌طور مستقیم یارانه می‌دهد مثل یارانه آب، برق، گاز، نان و.. در حقیقت در بسیاری از کالاها و خدمات دولت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم یارانه پرداخت می‌کند. در تمام کشور یارانه به سوخت تعلق می‌گیرد. بخشی از یارانه هم به‌صورت نقدی پرداخت می‌شود. این یارانه‌ها کمک زیادی کرده تا افراد کم درآمد سهم بیشتری از اقتصاد را دریافت کنند هر چند ممکن بود اگر توسعه اقتصادی با رشد ۱۰ درصد یا بیشتر در ۴۰ سال یا حتی در ۲۰ سال گذشته رخ می‌داد فقرا و حتی ثروتمندان بسیار ثروتمندتر بودند. اما در شرایط حداقل رشد اقتصادی، پرداخت یارانه به همه اقشار بیوژه اقشار کم درآمد کمک کرده است و وضعیت رفاهی این قشر را بهبود بخشیده است. افزایش حداقل دستمزدها نیز نوعی یارانه است که دولت می‌پردازد. دولت در تعیین حداقل دستمزدها به طبقات کم درآمد کمک می‌کند حتی در بودجه هم برنامه طوری است که افراد کم درآمد و کارمندها از افزایش حقوق سالانه بیشتری برخوردار شوند که همین افزایش حقوق یک نوع انرژی را به هم نزدیک و یارانه‌ها را فقط به جامعه هدف و مطابق با نرخ تورم پرداخت کنیم. اگر این اتفاق می‌افتاد اکنون می‌توانستیم مدعی شویم که یارانه‌ها به افزایش رفاه اجتماعی منجر شده است.

■ برای اصلاح شرایط باید چکار کرد؟

منطق این است که قیمت‌ها را به سمت واقعی شدن، ببریم؛ اما نه به یک باره و به تدریج. دومین کاری که باید صورت بگیرد قطع یارانه کسانی است که نیازمند نیستند. این‌که می‌گویند آمار نیازمندان و ثروتمندان را نداریم، یک بهانه است. سال هاست که این طرح در حال اجراست. آیا در این سال‌ها امکان تکمیل بانک اطلاعاتی وجود نداشت؟ قطعاً در طول این مدت ممکن بود هر گونه آمار و اطلاعاتی که دستگاه‌های ذیربط نیاز دارند، به دست آورند و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند.

اقدام سومی که باید در دستور کار قرار گیرد، این است که با توجه به این شرایط اقتصادی، گرانی‌ها و تورم سهم یارانه مستحق‌ها را بیشتر کنند و کاملاً هم این طرح قابل اجراست.

آنچه الآن انجام می‌شود، ضد عدالت و در راستای کاهش بهره وری است و این راه اداره کشور نیست. متأسفانه نه دولت و نه مجلس هیچ کدام به دنبال حل مسأله نیستند. همه به دنبال این هستند که سرو صدایی به وجود نیاید و اعتراضی در جامعه نشود. در راه اصلاحات ممکن است که سختی‌هایی پیش بیاید. اما اقتصاد ما بیش از آن‌که نیازمند آرامش باشد، محتاج یک جراحی فوری و جدی است. انرژی یکی از بخش‌های این اقتصاد بیمار است که باید هرچه سریع‌تر دولت نسبت به تغییر وضع آن اقدام کند. برای کاهش جراحت این عمل نیز روش‌هایی وجود دارد. این‌که کشورما در مورد یارانه‌ها و هدفمندسازی آنها اصلاً تصمیم نمی‌گیرد، با کدام منطق و اصول اقتصادی هماهنگ است؟ کجای دنیا به همه مردم کشور از غنی تا فقیر یکسان یارانه می‌دهند. دارا و ندار الآن در طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در یک کفه ترازو قرار گرفته‌اند و با یک قیمت انرژی را مصرف می‌کنند. این روش‌هایی که ما در کشور پیش گرفته‌ایم، پایدار نیست. چرا روی مصرف انرژی محدودیت وضع نمی‌کنیم؟ البته ممکن است که اصلاحات در کوتاه مدت مشکلاتی نیز به همراه داشته باشد اما این یک غده چرکین است که به بدنه اقتصاد کشور آسیب جدی می‌زند و باید هرچه زودتر جراحی شود. اگر جراحی انجام شود اندکی خونریزی و دوره نقاهت خواهد داشت اما اگر عمل نشود، منجر به مرگ خواهد شد.

■ اما در دولت و مجلس اعتقادی وجود دارد که دست زدن به نظام پرداخت یارانه‌ها و اصلاح قیمت‌ها به مردم فشار وارد خواهد کرد و موجی از نارضایتی و اعتراض را به دنبال خواهد داشت. شما این نگرش را رد می‌کنید؟

این چه حرفی است. قرار نیست که یارانه برای تمام اقشار جامعه قطع شود. فقط برای کسانی که واقعاً ذی حق نیستند، بایستی قطع شود و یارانه نیازمندان را نیزافزایش داد.

■ یعنی حتی در دوران تحریم هم امکان انجام اصلاحات هست؟

ربطی به تحریم ندارد. حتی می‌توان گفت که در دوران تحریم این اصلاحات به کاهش نارضایتی‌های اجتماعی می‌انجامد. به اعتقاد من مهمترین عامل عدم تغییر شرایط این است که تصمیم جدی برای انجام اصلاحات وجود ندارد.

■ آیا از همان ابتدا هم قرار بود پرداخت یارانه به تمام اقشار جامعه باشد؟

خیر. آن روزها مبنا این بود که از محل افزایش قیمت‌ها، یارانه‌ها به جامعه هدف پرداخت شود. قرار بود که جامعه هدف هم دهک‌های کم درآمد باشند. جامعه هدف مشخص بود، منتهی در دولت احمدی‌نژاد یارانه را به همه پرداخت کردند. بنا نبود این طرح به شکل کنونی اجرا شود. در حال حاضر نه تنها عدالت اجتماعی برپا نشده، بلکه پروژه‌های صنعت نفت هم خوابیده است. احتمالاً سال آینده به خاطر تحریم و کاهش درآمدهای نفتی شرایط بدتر نیز خواهد شد.

■ یعنی اگر به درستی هدفمندی یارانه‌ها اجرا می‌شد، چهره صنعت نفت امروز متفاوت بود؟

بله. این فرصت فراهم می‌شد. اما به دلیل پرداخت ماهانه نزدیک به سه هزار و ۷۵۰ میلیارد تومان از سوی وزارت نفت برای یارانه‌های نقدی، پروژه‌های بزرگ و اساسی صنعت نفت متوقف ماند. در همین حال قیمت حامل‌های انرژی تغییری نکرد تا منابع جدیدی برای این کار ایجاد

گفت‌وگو با منصور معظمی، عضو هیأت علمی دانشگاه صنعت نفت

یارانه‌های فعلی ضد عدالت اجتماعی است

عطیه لیاف
خبرنگار

چرخه معیوب یارانه‌ها هر روز مشکلات اقتصاد ایران را بیشتر می کند. برای مثال خاموشی‌های تابستان امسال نتیجه همین یارانه‌های نقدی و پنهان بود. چراکه دولت به خاطر عدم اصلاح تعرفه‌ها و همین طور اختصاص درآمدها به یارانه‌های نقدی، منابع مالی کافی برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق نداشت و در نهایت با کمبود مواجه شدیم. با وجود این تجربه‌ها، سال آینده هم بر اساس قانون بودجه حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی و غیر نقدی و حدود ۹۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان میان تمام اقشار جامعه توزیع خواهد شد؛ یارانه‌هایی که در عمل نتیجه‌ای جز بی عدالتی، تضعیف تولید و افزایش شکاف طبقاتی ندارد. به این خاطر که بررسی‌ها نشان می دهد ثروتمندان ۱۱ برابر فقرا یارانه پنهان دریافت می کنند. اما منصور معظمی عضو هیأت علمی دانشگاه صنعت نفت که خود نیز زمانی معاون وزرای نفت و صنعت بوده از مصیبت‌های دیگر پرداخت یارانه و بلاهایی که در این سال‌ها بر سر نفت آمد، صحبت می کند. او در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد که چرا اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها بیش از هر کس به نفع مردم است.

■ به نظر شما تاکنون یارانه‌های نقدی و پنهان توانسته است رفاه عمومی را افزایش دهد؟

فلسفه اولیه پرداخت یارانه‌ها این بود که تعادلی در جامعه به وجود آید و کسانی که درآمد کمتری دارند، کم و کاست زندگی آنها از طریق یارانه‌ای که دولت پرداخت می کند جبران شود.

اطلاعات و آمار نشان می دهد که در ابتدا که این پرداخت‌ها شروع شد، یک تعدیل بسیار نسبی و کوچکی صورت گرفت و ضریب جینی مقداری متعادل‌تر شد. اما بعد از مدتی با توجه به تغییراتی که در اقتصاد کشورمان ایجاد شد، شرایط به گذشته برگشت و حتی بدتر نیز شد. به این معنی که در اجرا نقص‌هایی وجود داشت و این مشکلات فلسفه‌ای را که پشت سر قانون هدفمندی یارانه‌ها بود از میان برد. جمع بندی این شد که کسانی که بهره‌مند بودند و توان مالی خوبی داشتند، بهره‌مندتر شدند و کسانی که به لحاظ مالی مشکل داشتند، فقیرتر شدند. چون قیمت‌ها با این تغییر هر سال افزایش پیدا کرد و به تبع آن افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم، قدرت خرید دهک‌های پایین جامعه نیز کاهش پیدا کرد و طرح به هدف خود نرسید.

در طول سال‌های اجرای طرح این روند مخرب اصلاح نشد و تقریباً می‌توان گفت که الآن شرایط وحشتناک است و امیدواریم یک روزی در مورد آن تصمیم بگیرند. نمی‌شود که دولت در سال ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان پرداخت کند و بخش اعظم آن هم به ثروتمندان برسد.

قرار بود در این سال‌ها قیمت تمام شده، قیمت بین‌المللی و فروش حامل‌های انرژی را به هم نزدیک و یارانه‌ها را فقط به جامعه هدف و مطابق با نرخ تورم پرداخت کنیم. اگر این اتفاق می‌افتاد اکنون می‌توانستیم مدعی شویم که یارانه‌ها به افزایش رفاه اجتماعی منجر شده است.

■ برای اصلاح شرایط باید چکار کرد؟

منطق این است که قیمت‌ها را به سمت واقعی شدن، ببریم؛ اما نه به یک باره و به تدریج. دومین کاری که باید صورت بگیرد قطع یارانه کسانی است که نیازمند نیستند. این‌که می‌گویند آمار نیازمندان و ثروتمندان را نداریم، یک بهانه است. سال هاست که این طرح در حال اجراست. آیا در این سال‌ها امکان تکمیل بانک اطلاعاتی وجود نداشت؟ قطعاً در طول این مدت ممکن بود هر گونه آمار و اطلاعاتی که دستگاه‌های ذیربط نیاز دارند، به دست آورند و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند.

اقدام سومی که باید در دستور کار قرار گیرد، این است که با توجه به این شرایط اقتصادی، گرانی‌ها و تورم سهم یارانه مستحق‌ها را بیشتر کنند و کاملاً هم این طرح قابل اجراست.

آنچه الآن انجام می‌شود، ضد عدالت و در راستای کاهش بهره وری است و این راه اداره کشور نیست. متأسفانه نه دولت و نه مجلس هیچ کدام به دنبال حل مسأله نیستند. همه به دنبال این هستند که سرو صدایی به وجود نیاید و اعتراضی در جامعه نشود. در راه اصلاحات ممکن است که سختی‌هایی پیش بیاید. اما اقتصاد ما بیش از آن‌که نیازمند آرامش باشد، محتاج یک جراحی فوری و جدی است. انرژی یکی از بخش‌های این اقتصاد بیمار است که باید هرچه سریع‌تر دولت نسبت به تغییر وضع آن اقدام کند. برای کاهش جراحت این عمل نیز روش‌هایی وجود دارد. این‌که کشورما در مورد یارانه‌ها و هدفمندسازی آنها اصلاً تصمیم نمی‌گیرد، با کدام منطق و اصول اقتصادی هماهنگ است؟ کجای دنیا به همه مردم کشور از غنی تا فقیر یکسان یارانه می‌دهند. دارا و ندار الآن در طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در یک کفه ترازو قرار گرفته‌اند و با یک قیمت انرژی را مصرف می‌کنند. این روش‌هایی که ما در کشور پیش گرفته‌ایم، پایدار نیست. چرا روی مصرف انرژی محدودیت وضع نمی‌کنیم؟ البته ممکن است که اصلاحات در کوتاه مدت مشکلاتی نیز به همراه داشته باشد اما این یک غده چرکین است که به بدنه اقتصاد کشور آسیب جدی می‌زند و باید هرچه زودتر جراحی شود. اگر جراحی انجام شود اندکی خونریزی و دوره نقاهت خواهد داشت اما اگر عمل نشود، منجر به مرگ خواهد شد.

■ اما در دولت و مجلس اعتقادی وجود دارد که دست زدن به نظام پرداخت یارانه‌ها و اصلاح قیمت‌ها به مردم فشار وارد خواهد کرد و موجی از نارضایتی و اعتراض را به دنبال خواهد داشت. شما این نگرش را رد می‌کنید؟

این چه حرفی است. قرار نیست که یارانه برای تمام اقشار جامعه قطع شود. فقط برای کسانی که واقعاً ذی حق نیستند، بایستی قطع شود و یارانه نیازمندان را نیزافزایش داد.

■ یعنی حتی در دوران تحریم هم امکان انجام اصلاحات هست؟

ربطی به تحریم ندارد. حتی می‌توان گفت که در دوران تحریم این اصلاحات به کاهش نارضایتی‌های اجتماعی می‌انجامد. به اعتقاد من مهمترین عامل عدم تغییر شرایط این است که تصمیم جدی برای انجام اصلاحات وجود ندارد.

■ آیا از همان ابتدا هم قرار بود پرداخت یارانه به تمام اقشار جامعه باشد؟

خیر. آن روزها مبنا این بود که از محل افزایش قیمت‌ها، یارانه‌ها به جامعه هدف پرداخت شود. قرار بود که جامعه هدف هم دهک‌های کم درآمد باشند. جامعه هدف مشخص بود، منتهی در دولت احمدی‌نژاد یارانه را به همه پرداخت کردند. بنا نبود این طرح به شکل کنونی اجرا شود. در حال حاضر نه تنها عدالت اجتماعی برپا نشده، بلکه پروژه‌های صنعت نفت هم خوابیده است. احتمالاً سال آینده به خاطر تحریم و کاهش درآمدهای نفتی شرایط بدتر نیز خواهد شد.

■ یعنی اگر به درستی هدفمندی یارانه‌ها اجرا می‌شد، چهره صنعت نفت امروز متفاوت بود؟

بله. این فرصت فراهم می‌شد. اما به دلیل پرداخت ماهانه نزدیک به سه هزار و ۷۵۰ میلیارد تومان از سوی وزارت نفت برای یارانه‌های نقدی، پروژه‌های بزرگ و اساسی صنعت نفت متوقف ماند. در همین حال قیمت حامل‌های انرژی تغییری نکرد تا منابع جدیدی برای این کار ایجاد